

بررسی مولفه‌های حکمرانی خوب با توجه به رویکرد اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی

سعید واحدی^۱محمد رضا حاتمی^۲سید محمد موسوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

تحلیلی از معنای دقیق حکمرانی در تعالیم اسلام، شاخص‌های قرآنی حکومت کردن مطلوب با مطالعه آیات قرآن کریم، اهمیت عدالت به عنوان یک رویکرد مهم در حکومت امروزه و همچنین پارادایم «حکمرانی خوب» به عنوان یک شیوه رایج و مسلط برای اداره جامعه در سطح جهان بوده و متفاوت از دولت و حکومت است. در این نوشتار، ابتدا «حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته» و شاخص‌های آن با روش توصیفی - تحلیلی بررسی و سپس به این سؤال پاسخ داده می‌شود که «حکمرانی شایسته» و شاخص‌های آن در انقلاب اسلامی چیست و در نهایت، تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته از ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران با شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه دینی و اسلامی، نهادهای بین‌المللی و اندیشمندان مقایسه تطبیقی شده است. بررسی پنج شاخص اصلی و اساسی در حکمرانی که شاخص‌های یکسانی است که بر حسب معنا و مبنا متفاوت است. در نهایت نتیجه‌گیری خواهد شد که محتوای دیدگاه‌های نظری حکمرانی خوب مبتنی بر انسان محوری، دنیاگرایی و ماده‌گرایی است، ولی حکمرانی شایسته مبتنی بر خدا محوری است، اگرچه به ماده و معنا و دنیا و آخرت هر دو به صورت همزمان توجه دارد.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، سیاست، نظام سیاسی، دولت، اندیشه سیاسی، حکمرانی مطلوب

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران
saeedvahedi24@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) M.hatami@pnu.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Sm46mosavi@pnu.ac.ir
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین دوران معاصر محسوب می‌شود. این انقلاب در پی ناکارآمدی ساختار نظام پیشین روی داد. در خصوص شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران فرضیات گوناگونی مطرح است. بعضی پژوهشگران به علل شکل‌گیری انقلاب از دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی و برخی نیز از دیدگاه‌های اقتصادی و فرهنگی پرداخته‌اند. با وجود آثار گسترده‌ای که در این زمینه موجود است هنوز هم می‌توان با بررسی مجدد و به‌کارگیری نظریات جدید به تحلیل علل وقوع انقلاب اسلامی پرداخت. هسته محوری نظریه حکمرانی خوب، تعامل میان دو نهاد دولت و جامعه مدنی است. در واقع در این نظریه دولت و جامعه مدنی هر کدام عهده‌دار وظایف متقابلی هستند که انجام صحیح آنها در شاخص‌هایی نظیر بالا رفتن ثبات سیاسی، کاهش بی‌ثباتی سیاسی و افزایش مشارکت سیاسی فعال و مثبت در جهت اهداف نظام سیاسی آشکار می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ پایانی بود بر حکومت‌های ستم شاهی در ایران و پس از آن نیز قانون اساسی به عنوان میثاق ملی با رای اکثریت تصویب شد و به دنبال آن جمهوری اسلامی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی شکل گرفت. از سوی دیگر الگوی حکمرانی خوب مفهوم جدیدی است برای شکل‌گیری توسعه پایدار که نظر به گذار به نگاه کیفی بجای نگاه کمی به دولت‌ها دارد و از سوی سازمان‌های بین‌المللی به ویژه بانک جهانی و سازمان ملل برای آن شاخص‌هایی در نظر گرفته شده است. در این مقاله تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که حکمرانی خوب در اسناد بالا دستی چگونه دیده شده است؟ آیا قانون اساسی جمهوری اسلام تضادی با این شاخص‌ها دارد؟ آیا در اندیشه سیاسی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) به مولفه‌های حکمرانی خوب توجه شده است؟ در پاسخ به این سئوالات با به‌کارگیری مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای این فرضیه برجسته می‌شود که قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ تضاد مبنایی با این شاخص‌ها نداشته و قابلیت‌های مناسبی برای بهبود و ارتقای این شاخص‌ها وجود دارد. همچنین در اندیشه سیاسی امام خمینی نیز بسیاری از مولفه‌های حکمرانی خوب مورد تأکید بوده است مؤند اثبات فرضیه پژوهش خواهد بود. (ناظمی، ۱۳۹۱، ۸۸).

از گذشته تا به امروز همواره نقش دولت‌ها و حکومتها در پیشرفت و تعالی جوامع و یا عقب افتادگی آنها مورد بحث و مناقشه بوده است. به ویژه در چند دهه اخیر، این مهم بیش از پیش نمایان شده است و مباحثی مانند دولت کوچک، دولت کارآمد، دولت کارآفرین، دولت الکترونیک و امروز «حکمرانی خوب» به عنوان یک پارادایم غالب مطرح است. از طرفی پدیده‌ی «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی»





فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌العلم الاسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

به عنوان یک نظریه جدید خودش را در عرصه جهانی نشان داده است. هرچند بصورت یک «پارادایم» مطرح نیست و لیکن در معادلات حکمرانی در جهان مطرح است؛^۱- نگاه اسلام به حکمرانی خوب که همان حکمرانی الهی یا حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی میباشد، نگاهی است بسیار عمیق و تعیین کننده که تعالی انسان در سایه آن رقم میخورد و تعبیر نور و ظلمت برای حکمرانی الهی و حکمرانی غیرالهی بکار برده شده است. «الله ولی الذین آمنوا یخترجهن من الظلمات الی نور والذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخترجونهم من النور الی الظلمات». (بقره، ۱۵۷). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی بر کلیه فرآیندهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاثیرگذار بوده، محیط رشد و تعالی انسان را تامین میکند. حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، عامل رفع فقر و بیکاری، مقابله با جنگ و سلطه، مبارزه با فساد و تبعیض، تامین عدالت، ایجاد شفافیت و مشارکت مردم برای خود سازی آنها در عرصه های حکمرانی میباشد (پارسا، ۱۳۹۵، ۱۳).

۲. پیشینه تحقیق

محمدحسین خوش بیان در پایان نامه کارشناسی ارشد به «نهادزدایی و نهادسازی ها در دوران پهلوی و پیامدهای آن در جمهوری اسلامی ایران» می پردازد. ایشان معتقد است که انقلاب اسلامی همه نهادهای موجود را بر مبنای اسلام تاسیس کرد به طوریکه حرکت بنیادین در جهت نهادسازی در جامعه صورت نگرفت و همه ساختارها و نظامات بر مبنای دوره پهلوی اول، البته با ساختاری جدیدتر و مدرن تر بنا نهاده شد.

قدسی علیزاده سیلاب در رساله دکتری به «مطالعه تطبیقی سبک رهبری امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای با تاکید بر اجماع سازی و نهادسازی» می پردازد. نگارنده معتقد است که نهادسازی از جایگاه ویژه‌ای در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای برخوردار است و مولفه‌هایی چون بحران‌های سیاسی و شرایط زمانی خاص و توجه به ارزش‌های جامعه در ایجاد نهادسازی تاثیرگذار و مهم بوده است.

اصغر توسلی در پایان نامه «ثبات سیاسی در دولت های بعد از انقلاب اسلامی ایران» به مشروعیت رشد نهادهای سیاسی، میزان مشارکت، فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در دولت‌های پس از انقلاب تا دوران خاتمی پرداخته و مقیاس درجه ثبات سیاسی را در این دولت‌ها بر اساس مشکلات موجود و جنجال‌های سیاسی داخلی و خارجی از جمله جنگ تحمیلی می داند.

خسرو قبادی در رساله دکتری «نقش نهادها مدنی در شکل‌گیری و نهادینه‌سازی حکمرانی خوب در ایران (۱۳۹۵-۱۳۷۶)» بر این باور است که نهادهای مدنی علیرغم محدودیت‌ها و موانع پیش‌رو دارای نقش و برخی از فعالیت‌های آنها موثر بوده است.

۳. چهارچوب مفهومی

۳/۱ حکمرانی خوب

اداره‌گری یا حکمرانی به معنی عمل یا شیوه حکومت کردن و اعمال کنترل یا اقتدار بر اقدامات اتباع از طریق منظومه‌ای از مقررات است. بنابراین گوهر اداره‌گری را می‌توان چگونگی حکومت بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم اداره دولت دانست (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۴۴۵). مبحث حکمرانی خوب از اواخر دهه ۱۹۸۰ توسط بانک جهانی مطرح شد که در گزارش سال ۱۹۸۹ خود، برای اولین بار حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است (World Bank, 1989). برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز، حکمرانی خوب را شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی دانست که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و اختلافاتشان را تعدیل می‌نمایند (UNDP, 1997). در مجموع حکمرانی خوب دربردارنده سازوکارها و فرایندهایی است که در خدمت تحقق دموکراسی و حقوق بشر است و بنابراین، از این دیدگاه، حکمرانی خوب را می‌توان ابزار مطلوبی برای تحقق آرمان مردم‌سالاری، حقوق بشر، حاکمیت قانون و توسعه اقتصادی دانست. در این راستا «کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد» نیز زمینه‌ها و اهداف مهمی را مطرح کرده است که از طریق حکمرانی خوب پیگیری می‌شود. آنها عبارت‌اند از: ترتیب مشتمل بر احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، مشارکت مؤثر بازیگران مختلف، تکررگرایی سیاسی، شفافیت و پاسخگویی نهادها، بخش عمومی مؤثر و کارآمد، دسترسی به دانش، اطلاعات و تحصیلات، توانمندسازی سیاسی مردم، تساوی حقوق و پرورش ارزش‌ها و هنجارهایی که پاسخگویی، اتحاد و ایستادگی را تقویت می‌کنند (OHCHR, 2013). آثار متنوعی در داخل کشور تألیف شده که در آنها حکمرانی خوب از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. اما کمتر اثری یافت می‌شود که این مقوله در آن از دیدگاه الگوی اسلامی بررسی شده باشد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های پایه‌ای جهان اسلام

۱۹۸

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

۲/۳ مؤلفه‌های حکمرانی خوب

محققان کشورهای مختلف پنج گزاره عمده در مورد حکمرانی به عنوان نظریه ارائه کرده‌اند که به شرح زیر است:

۱. حکمرانی به مجموعه‌ای از نهادها و بازیگران اطلاق می‌شود که از دولت و همچنین فراتر از آن بر می‌گردند. اقتدار دولت یا حکومت را به معنای سنتی به چالش می‌کشد و معتقد است که حکومت تنها مرکز قدرت یک دولت نیست.

۲. حکمرانی محو شدن مرزها و مسئولیت‌ها برای مقابله با مسائل اجتماعی و اقتصادی را مشخص می‌کند. این نشان می‌دهد که در جامعه مدرن، دولت مسئولیت‌های انحصاری خود را به جامعه مدنی (سازمان‌های بخش خصوصی و گروه‌های داوطلبانه و...) منتقل می‌کند. در نتیجه، مرزهای بین دولت و جامعه و بین بخش‌های دولتی و خصوصی به طور فزاینده‌ای مبهم می‌شود.

۳. حکمرانی وابستگی قدرت در روابط بین نهادهای درگیر در کنش جمعی را مشخص می‌کند. هر سازمانی که به فعالیت جمعی اختصاص دارد باید به سازمان‌های دیگر وابسته باشد. برای رسیدن به هدف خود، باید منابع را مبادله کند و نتیجه تبادل نه تنها به منابع هر بازیگر بستگی دارد، بلکه به قوانین بازی و محیطی که مبادله در آن محل انجام می‌شود نیز بستگی دارد.

۴. حکمرانی بر اهمیت شبکه‌های خودمختار بازیگران تأکید می‌کند. یک شبکه خودگردان به خودی خود این اختیار را دارد که در یک حوزه خاص دستورات را صادر کند و در این حوزه با دولت همکاری کند.

۵. حکمرانی ظرفیت انجام کارها را بدون اتکا به قدرت دولت برای فرماندهی یا استفاده از اختیارات خود می‌شناسد. در مدیریت امور عمومی، ابزارها و فنون مدیریت دیگری نیز وجود دارد و دولت موظف است از آنها برای هدایت امور عمومی استفاده کند (stoker, 1998: 18).

۳/۳ تاریخچه مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی

از سوی دیگر با توجه به پیشینه فکری و پژوهشی در حوزه الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت می‌توان گفت که مجموعه آثار با این نگرش در ایران در سه نسل قابل ارزیابی است؛ نسل اول شامل آثاری است که با رویکردی توصیفی و اثباتی به بررسی رابطه دین و توسعه پرداخته‌اند و دین اسلام را نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مادی نمی‌دانند؛ بلکه آن را موافق و راهگشای توسعه حیات مادی معرفی می‌کنند که آثار اشخاصی نظیر مرحوم آل‌احمد و بازرگان، و شریعتی در این جرگه قرار دارند. در این آثار به صورتی کلی



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست‌های اسلامی
انجمن مطالعات جهان اسلام

۱۹۹

مفاهیم اسلامی موافق توسعه و تغییر اجتماعی فهرست شده است. نسل دوم آثاری را در بر می‌گیرد که با رویکردی واکنشی به ایدئولوژی‌های غیراسلامی به ویژه مارکسیسم و لیبرالیسم تألیف شده و با نگرشی سلبی به روش‌های غیربومی و با دقت و ظرافت بیشتر در پی معرفی احکام اسلام به عنوان دینی کامل و جهانشمول برآمده است. آثار اقتصادی مرحوم طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر در این دسته قرار می‌گیرند. نسل سوم نیز مشتمل بر آثاری است که با رویکردی ایجابی و با ظرافت‌هایی بیشتر از دو نسل گذشته، بر مبانی فکری «توسعه» اتکاء دارد و توسعه را به مثابه ضرورتی انکارناپذیر از دیدگاه اسلام معرفی می‌کند و در عین حال می‌کوشد راهکارهای اجرایی توسعه و برنامه‌ریزی برای توسعه را مورد توجه قرار دهد. آثار معتنابهی از اقتصاددانان حوزوی به ویژه در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در این حوزه ارزیابی کرد. با این حال، در اکثر آثار مذکور هنوز به دلایل متعدد، بیشتر تشریح کلیات و مبانی فکری و فقهی توسعه و برنامه‌ریزی پیشرفت در اسلام مورد توجه بوده و کمتر بر کارآمدی و توانمندی‌های فکری و فرهنگی «سبک زندگی اسلامی - ایرانی» به ویژه در مقوله بایسته‌های الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت تأکید شده است. بدین ترتیب، ظاهراً آنچه تاکنون در باب پیشرفت، آن هم بر مبنای نگاه فلسفی و نه اخباری به شریعت اسلامی و شیعی نوشته شده؛ بیشتر بیان کلیات بوده است و کمتر بر مباحث فرهنگ‌سازی یا الگوسازی استوار بوده است. در حالی که در پژوهش حاضر با نگاهی فرهنگی به مبنای آموزه‌های حکمرانی خوب به مقوله پیشرفت تلاش شده است تا حد امکان بایسته‌های تدوین الگوی کارآمد و اثربخش اسلامی و ایرانی تبیین شود. (طالبان، ۱۳۸۹: ۷۸).

۴. چهارچوب نظری

از نظر کافمن، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون (پاسخ گویی خارجی و ندای ذی نفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبه کاری و تروریسم، اثربخشی دولت، فقدان تحمیل قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد قابل سنجش است (کافمن، ۲۰۰۳، ص ۵).

شایستگی کلیدی هفت گانه از نظر بخش توسعه بین المللی به قرار ذیل است

۱. دارای خط مشی مشارکتی؛
۲. رافع فقر و ثبات اقتصادی؛
۳. مجری خط مشی های پشتیبانی از فقرا؛
۴. تأمین کننده خدمات اساسی اثربخش به صورت عادلانه؛

۶. تأمین کننده امنیت و سلامتی فردی؛

۸. مدیریت پاسخ گویی راه کارهای امنیت ملی؛

۹. توسعه دهنده دولت پاسخگو و امین (بخش توسعه بین المللی، ۲۰۰۱، ص ۹).

۵. مولفه ها و اصول حکمرانی خوب در حکومت اسلامی

جدول ۱. اصول حکمرانی خوب

اصول حکمرانی خوب	متون مرتبط با این اصول در برنامه عمران ملل متحد
۱. مشروعیت و مشارکت	همه مردم باید در تصمیم سازی نقش داشته باشند، چه به طور مستقیم و چه از طریق ابزارهای قانونی میانجی تا نظرشان را اعلام کنند.
۲. رهبری	حکمرانی خوب باید برای نیل به اجماع بتواند بین منافع گروه های مختلف میانجیگری و تا حد ممکن در سیاست ها و رویه ها توافق ایجاد کند.
۳. کارایی	رهبران و عموم مردم باید چشم انداز جامع و بلندمدت همراه با احساس نیاز به حکمرانی خوب و توسعه انسانی داشته باشند که این چشم انداز مبتنی بر پیچیدگی های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باشد.
۴. پاسخگویی	مؤسسات و جریان ها تلاش کنند تا به همه اعضا خدمات ارائه کنند.
۵. عدالت	جریان ها و نهادها نتایج مورد نیاز و مطلوب را با استفاده بهینه از منابع به دست آورند.
	تصمیم سازان حکومتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی باید به مردم پاسخگو باشند.
	شفافیت بر پایه جریان آزاد اطلاعات شکل می گیرد.
	همه مردم حق دارند حیاتشان را حفظ کنند و فرصت هایشان را ارتقا دهند.
	چارچوب های قانونی به ویژه قوانین حقوق بشری باید بی طرفانه باشد و به طور بی طرفانه نیز اجرا شود.

اهداف، اصول و شاخص های حکمرانی اسلامی را می توان در سه مولفه اصلیروابط حکومت و مردم روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و «نظام اداری و روابط اجزای حکومت» تبیین نمود.

اهداف حکمرانی اسلامی در مولفه روابط حکومت و مردم، حداکثر سازی مشارکت مردم و استفاده از نظرات و آرا و مشاوره های مردم، نهادهای مردمی و نخبگان در حوزه تصمیم سازی و تصمیم گیری و ایجاد شرایط امر به معروف و نهی از منکر مردم و نهادهای مردمی در حوزه نظارت و کنترل فعالیت ها و



۲۰۱

عملکرد حکومت به منظور ارتقای سطح عملکردی حکومت و کاهش فساد و افزایش اعتماد مردمی و مشروعیت نظام می‌باشد. اصول حاکم بر روابط حکومت و مردم در حکمرانی اسلامی عبارتند از:

- اصل حاکمیت رابطه رحمانی و خیرخواهی و مهرورزی حکومت نسبت به مردم
- اصل رعایت منافع عمومی
- اصل رعایت افکار و رضایت عمومی
- اصل مشارکت عمومی
- اصل اصلاح و نظارت همگانی؛ امر به معروف و نهی از منکر
- اصل وفاداری و رابطه مسئولانه مردم نسبت به حکومت
- اصل شفافیت، اطلاع رسانی و پاسخ گویی

۶. اهداف حکمرانی اسلامی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

اهداف حکمرانی اسلامی در این مولفه، تنظیم روابط حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با یکدیگر، حفظ کلیت و انسجام درونی و توسعه و هم افزایی بخش‌های مختلف نظام است. اصول حاکم بر روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در حکمرانی اسلامی عبارتند از:

- اصل جهان‌شمول در همه حوزه‌ها: اصل وحدت، هماهنگی و هم افزایی؛
- اصول حوزه سیاست: اصل امنیت ملی، اصل وفای به عهد و پیمان، اصل هم زیستی مسالمت آمیز و مقابله عادلانه با تجاوز، اصل رسالت جهانی و حمایت از حق طلبی، اصل نفی سلطه؛
- اصول حوزه اقتصاد: اصل فقرزدایی و توجه به محرومین، اصل تولیدگرایی و اصل توسعه گرایی؛
- اصل حوزه فرهنگ: اصل مسئولیت تربیتی و علمی.

۷. اهداف حکمرانی اسلامی در نظام اداری و روابط اجزای حکومت

اهداف حکمرانی اسلامی در مولفه نظام اداری و روابط اجزای حکومت، افزایش بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) عقلانیت محور نظام اداری-مدیریتی از طریق شایسته سالاری و جابه جایی نخبگان است؛ که این مهم بر اساس اخلاق و عقلانیت، مشارکت، مشورت و تخصص محوری و در حوزه‌های سیاست گذاری کلان و بخشی، نظارت، اصلاح و پالایش درونی و مبارزه با فساد و مشتری مداری و پاسخ گویی نظام اداری صورت می‌پذیرد. اصول حاکم بر نظام اداری و روابط اجزای حکومت در حکمرانی اسلامی عبارتند از:



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی ترانس‌الهام اسلامی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۰۲

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

● حوزه سیاست گذاری و قانون گذاری: اصل شورا و مشورت؛

● حوزه روابط قوا: اصل وحدت، هماهنگی و هم افزایی، اصل تعدیل قدرت؛ تفکیک وظایف قوا و ارکان نظام و نظارت آن‌ها بر یکدیگر؛

● حوزه نیروی انسانی: اصل رهبری ولی فقیه دین شناس، اصل شایسته سالاری، اصل ذکر؛ رشد و به سازی و اصل مسئولیت پذیری و خدمت گذاری؛

● حوزه نظارت و کنترل: اصل نظارت آشکار و پنهان، اصل نظارت مردمی، اصل برخورد و واکنش مناسب؛

● حوزه فرهنگ سازمانی: اصل فرهنگ قانون مداری، اصل فرهنگ جهاد و شهادت طلبی؛

● حوزه منابع مالی: اصل بهره‌وری و سلامت مالی؛

● حوزه فساد زدایی: اصل مبارزه همه جانبه با فساد، در دو بعد نظری و عملی و در ساحت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و اصل سلامت، قاطعیت و استقلال نظام قضائی.

در این مطالعه برای هر یک از مولفه‌های فوق، شاخص‌های گوناگونی نیز طراحی و معرفی شده‌است که ذکر همه آن‌ها در حوصله این نوشتار نیست.

۸. الگوی حیات طیبه در حکمرانی خوب

رعایت عدالت همراه با توان پاسخگویی و کارایی از آموزه‌های مهمی است که در نظریه‌های حکمرانی خوب به طور معمول بر آن‌ها تأکید می‌شود. از سوی دیگر، امام خمینی با احیای اصول اسلامی دعوت و اتحاد ملل مسلمان و حمایت از مظلومین و هویت بخشی به واژگانی نظیر «مستضعف» در برابر «مستکبر»، «اسلام ناب محمدی» در برابر «اسلام آمریکایی»، «کوخ نشین» در مقابل «کاخ نشین»، «اتحاد مسلمین» در برابر «نظام دوقطبی»، «امتزاج دین و سیاست» در مقابل «سکولاریسم»؛ گفتمان و اندیشه اسلامی خویش را مطرح کرد. همه واژگان مذکور، حول اسلام و اهداف اسلامی گرد می‌آمدند و هدف از اعلام و احیای این ارزش‌ها، نیل به غایت اصلی اسلام، یعنی سعادت و کمال بشریت بود. ماهیت اصلی تفکر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، نفی ظلم‌پذیری، نفی سلطه‌گری، نفی سکوت و برخورد انفعالی است. امام خمینی، انقلاب اسلامی مردم ایران را متعلق به کل بشر دانستند، به همین دلیل همه ملل را به این ارزش‌ها دعوت نمودند و مسئله صدور معنوی انقلاب اسلامی را مطرح کردند. (کمالی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۲۰۴

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

«ما که می‌گوییم «انقلابمان را می‌خواهیم صادر کنیم»، می‌خواهیم این را صادر کنیم، می‌خواهیم این مطلب را، همین معنایی که پیدا شده، همین معنویتی که پیدا شده است در ایران، همین مسائلی که در ایران پیدا شده، ما می‌خواهیم این را صادر کنیم. ما نمی‌خواهیم شمشیر بکشیم و تفنگ بکشیم و حمله کنیم. عراق با ما الان مدت‌هاست دارد حمله می‌کند و ما هیچ حمله‌ای به آن‌ها نمی‌کنیم. آن‌ها حمله می‌کنند ما دفاع می‌کنیم... ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی مان را، انقلاب اسلامی مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. و اگر این انقلاب صادر شد، هر جا صادر بشود این انقلاب، مشکل حل می‌شود» (امام خمینی، ج ۱۳، ۱۳۸۶: ۹۱).

به همین منظور در بند ۱۶ اصل سوم قانون اساسی، دولت موظف به تنظیم سیاست خارجی بر اساس اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت از مستضعفان جهان است. از مهم‌ترین مفاهیم مربوط به صدور انقلاب در قانون اساسی عبارت‌اند از: حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، تعهد برادرانه به همه مسلمین جهان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام. امام خمینی با اعتقاد به اینکه اسلام راه کمال و سعادت انسانی در دنیا و آخرت است، بر ارائه الگوی حیات طیبیه از جانب نظام جمهوری اسلامی ایران به تمام جهانیان بسیار تأکید داشتند که این امر افزون بر ارتقای سطح زندگی مردم و تحقق رفاه اجتماعی و اقتصادی در جامعه ایرانی - اسلامی، می‌تواند ارزش‌های انقلاب اسلامی را به بهترین نحو ارائه و صادر کند:

«ما از خداوند می‌خواهیم که این نهضت اسلامی و نهضت انسانی سرمشق باشد از برای تمام مستضعفین، و هشدار باشد بر مستکبرین. مستکبرین گمان نکنند که باید حکومت کنند بر مستضعفین و آن‌ها را استعمار و استثمار کنند. مستضعفین حکومت را به عنوان حکومت شناسند، بلکه به عنوان خدمتگزار بشناسند» (امام خمینی، ج ۷، ۱۳۸۶: ۱۱۹).

از سوی دیگر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی از منظری واقع‌گرایانه تأکید می‌کند که از دست رفتن نظام اسلامی در ایران چه خسارت عظیمی است:

«و من به شما عرض کنم که اگر خدای نخواست، خدای نخواست اسلام در ایران سیلی بخورد، بدانید که در همه دنیا سیلی خواهد خورد؛ و بدانید که به این زودی دیگر نمی‌تواند سرش را بلند کند. این الان یک تکلیف بسیار بزرگی است که از همه تکالیف بالاتر است، حفظ اسلام در ایران» (امام خمینی، ج ۱۷، ۱۳۸۶: ۳۸۴).

به اعتقاد برخی از پژوهشگران، انقلاب اسلامی نخستین جنبش سیاسی و اسلامی بود که به موفقیت



رسید و بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی با قدرت‌های شرق و غرب به ستیزه پرداخت و بدین وسیله روحی از شادی و شرف را در جهان اسلام ایجاد کرد (اسپوزیتو و وال، ۱۳۹۰: ۱۲۸). سخن فوق‌بدان معناست که حفظ جمهوری اسلامی نه تنها به موجب نگرشی ملی، بلکه در جهت حفظ اسلام و دین اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و همین امر تلاش بیشتر را ضروری می‌کند. اما به یقین این مهم فقط با ایجاد یک الگوی ملی قدرتمند محقق خواهد شد و البته نیل به این هدف جز با توسعه ملی و ارتقای علمی به دست نخواهد آمد.

بدین ترتیب و با توجه به ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی نمی‌توان ضرورت ساخت الگوی حیات طیبه را نادیده گرفت و به صورتی سهل‌انگارانه از کنار آن گذشت. زیرا این انقلاب امری دفعی نیست و واقعه‌ای ریشه‌دار و تقابلی تاریخی است. بدین صورت که آغاز آن به تلاش برای مدرنیزاسیون و ساخت دولتی بر پایه الگوی مدرن غربی باز می‌گردد که از منظر روحانیت و علمای شیعه این امر سبب تحدید نفوذ اسلام و شریعت در زندگی مردم می‌شد و به نوعی اجرای احکام و قوانین اسلامی را با ابهام روبرو می‌کرد. از آنجایی که دولت پهلوی اول تلاش می‌کرد از طریق مدرنیزاسیون، سکولاریزاسیون و ایدئولوژی ناسیونالیسم باستان‌گرا، قدرت دولتی را مضاعف و ایدئولوژی و گفتمان تشیع را تضعیف کند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۵ و سینایی، ۱۳۸۴: ۱۸۸) علما و نیروهای مذهبی می‌کوشیدند در برابر این تهدید وارداتی ایستادگی کنند. این امر در واقع نشان می‌دهد که دشمن اصلی اسلام شیعی در ایران، نه حکومت پهلوی، بلکه مدرنیسم غربی بود. از این رو، مبارزه انقلابیون دو وجه داخلی و خارجی داشت، به صورتی که در بعد داخلی با شاه و سیاست‌های وی مبارزه می‌شد و در بعد خارجی با دولت‌های مدرن و پیشرفته غربی به ویژه ایالات متحده به عنوان مشوقان اصلی دولت پهلوی در انجام اقدامات مدرن و ضد‌مذهب مخالفت می‌شد (بدیع، ۱۳۸۰: ۲۵۶).

بر این اساس می‌توان استنتاج کرد که نیروهای مذهبی و پیروان انقلاب اسلامی با نفی مدرنیسم و نوسازی با الگوی غربی و وارداتی، اولین اقدام (سلبی) را انجام دادند و در اقدام دوم که از مرحله نخست بسیار مهم‌تر و دشوارتر به نظر می‌رسد، باید عملکردی اثباتی داشت و الگویی جدید، کارآمد، واقع‌گرایانه و قابل دست‌یابی بر اساس مؤلفه‌ها و مبانی اسلامی، ایرانی و شیعی ارائه کرد تا در مبارزه به پیروزی دست یافت. به بیانی بهتر می‌توان گفت که انقلاب اسلامی توانست در سال ۱۳۵۷ در اولین گام به صورتی سلبی مخالفت خود را با نوسازی غربی و دولت مدرن اعلام نماید و نماد آن را ساقط کند، اما برای پیروزی نهایی در برابر الگوی دولت مدرن باید خود نیز در گامی اثباتی، الگویی بر پایه ایدئولوژی

و معیارهای اسلامی ارائه نماید تا در هدف خود به توفیقی حقیقی نائل گردد و در عین حال فرایند صدور انقلاب را تکمیل کند. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

۱۰- تاثیرات شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب در اجزای نظام سیاسی

با توجه به دوبخش قبل که دولت را با ویژگی‌ها و کارکردهای خود نشان دادیم و همچنین به وضعیت نیروهای مختلف اجتماعی در قالب الگوی حکمرانی پرداختیم، در این بخش به ارزیابی و تاثیرات استقرار الگوی حکمرانی و تشکیل جامعه همکار بر بخش‌های مختلف توسعه خواهیم پرداخت؛

۱۰/۱ مدیریت (اثربخش و هدفمند)

در یک منظر کلی نظام اداری دو کار اساسی برای نظام سیاسی انجام می‌دهد؛ ۱- مشورت به رهبران سیاسی در زمینه تدوین، بررسی، اجرای خط و مشی و تخصیص منابع. ۲- هریک از کارکنان دولت از طریق ساختار و سلسله مراتب اداری، به اصطلاح در برابر هیات دولت و در نهایت در برابر مردم پاسخگو است (شجاعی، ۱۳۸۱: ۳۲). نظام اداری در هر کشور وسیله عمده ای برای استمرار و تداوم بخشیدن به نظام حکومتی، تحقق اهداف حکومتی و آماده کردن جامعه برای پذیرش تغییرات و تحولات ناشی از توسعه اقتصادی - اجتماعی است. نظام اداری همچنین ماشین اجرایی دولت به حساب می‌آید که مرتبط با هر سه قوه است و این ماشین اجرایی ابزار چهارگانه ای (قوانین و مقررات، ساختار تشکیلاتی، سیستم‌ها و روش‌ها و منابع انسانی) جهت ایفای نقش خود را در اختیار دارد (میرسپاسی، ۱۳۷۸: ۲). در مجموع سازمانهای اداری یکی از نهادهایی هستند که در مرحله داده و نیز نهاده نظام عمل کرده و میزان پاسخگویی آنها نسبت به نیازهای جامعه در کاهش تشنجات و افزایش مشروعیت نظام سیاسی موثر هستند.

بر این اساس حکمرانی خوب نیز مستلزم فرایندها و نهادهایی است که حاصل آن تامین نیازهای جامعه، توأم با بهترین استفاده از منابع در دسترس است. در حقیقت اولین مرحله در حکمرانی خوب نظام اداری و بورکراسی شایسته و توانمند است. نظام اداری و تناسب منطقی آن موجب می‌شود که دولت قدرت پاسخگویی و اثربخشی خود را افزایش دهد. در دیوان سالاری های بزرگ و حجیم به طور مداوم بر شدت و رشد هزینه های دولتی و نیز فساد اداری و مالی افزوده می‌شود. این روند در چرخه های تکراری به کسری بودجه دولت و سرانجام افزایش شاخص تورم نیز منجر می‌شود. در این گونه کشورها



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جان اسلام

۲۰۶

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰



سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی به عنوان هزینه دولتی اختصاص می‌یابد و از این جهت زمینه تحرک بخش‌های غیردولتی فوق العاده محدود می‌شود (کمالی، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۰). می‌توان گفت اصلاحات و روند نظام اداری در قالب حکمرانی خوب با تاکید بر دگرگونی فرهنگی و فرهنگ سازمانی متمرقی، پاسخگویی و حفظ حقوق مردم، اجرای شایسته سالاری، متناسب سازی منابع انسانی موجود و توانمند سازی آن‌ها، برقراری نظام ارزیابی عملکرد و اصلاح نظام پرداخت در حوزه منابع انسانی، منطقی سازی و الکترونیک کردن فرآیندهای سازمانی، تمرکززدایی اداری و مالی، سیستم‌ها و روش‌های نوین ارائه خدمات، به‌کارگیری روش‌ها و فن‌آوری‌های مناسب در حوزه ساختار دولت، کاهش فساد اداری و تاکید بر مدیریت‌های محلی تعریف می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۲۰).

۱۰/۲ سیاسی (مشارکت فراگیر)

اگر هدف اصلی هر نظام سیاسی در عرصه سیاست را توسعه سیاسی و دموکراسی دانست، مکانیسم‌های موجود در الگوی حکمرانی خوب بهترین عامل برای دسترسی به این هدف محسوب می‌شوند. ساختار الگوی حکمرانی خوب بر حقوق فردی و شهروندی از دو طریق تاکید می‌کند: ۱- همترازی بخش خصوصی و جامعه مدنی با دولت ۲- تشکیل پیدا کردن خواسته‌ها و آزادی فردی در قالب شبکه‌های مختلف در جامعه مدنی. حکمرانی خوب در رابطه شبکه‌ای تحقق می‌یابد و در این رابطه همه اجزا در شبکه با هم ارتباطی هم‌ارز و هم‌سطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست. تنوع در دانایی هست اما اولویت در دانایی پذیرفته شده نیست. زندگی در شبکه نفی سلطه است و بازیگرانی که در حلقه شبکه باهم زندگی می‌کنند تعامل و تعادل را پیشه می‌کنند. مفاهیم با یکدیگر را می‌آموزند و یاد می‌گیرند که چگونه با تفاوت‌ها و تنوع‌های دیگران کنار بیایند. آنها در اندیشه اینکه همه را همانند خود کنند نیستند و با ناهمانندی‌ها و ناهمسانی‌خومی‌گیرند (الوانی، ۱۳۸۸: ۱).

در بستر احزاب، اتحادیه‌ها و سازمان‌های رسمی، صنفی، اقتصادی، اجتماعی - مدنی که متخصصان، اندیشمندان و در واقع توسعه‌سازان احساس امنیت کرده و می‌توانند بروزخلاقیت کنند (رفیعی، ۱۳۸۰: ۶۲). در اینجا سه مولفه اصلی پیشرفت یعنی آزادی، آگاهی و برابری خصوصاً بین زن و مرد مطرح می‌شود. UNDP نیز خصوصیات و شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب معرفی می‌کند که در آن بر پاسخگویی، اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت‌پذیری و شفافیت تاکید شده است (UN ESCAP, 2002). این شاخص‌ها در حقیقت بیان

کننده روند روبه رشد و مترقی امور سیاسی در یک جامعه است.

تضمین حقوق بشر مهم ترین سنجه و معیار حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مطابق حقوق بشر معاصر، هر رژیم سیاسی که به طور موثرتری از حقوق بشر و شهروندان خود در مقابل تجاوز و تعدی دفاع نمایند و مکانیزم‌های موثر حقوقی، سیاسی و اجرایی در اختیار شهروندان قرار دهد و خود را نسبت به آنان مسئول و پاسخگو بداند به همان میزان به حکمرانی خوب، شایسته یا مطلوب نزدیک خواهد بود (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۰).

۱۰/۳ اقتصادی (تسهیل‌کنندگی)

الگوی حکمرانی خوب منازعه بوجود آمده در اولویت به بازار یا دولت در توسعه اقتصادی از بین می‌برد و آن‌دورا مکمل هم می‌داند. بنابراین توانمندی ماهوی دولت در برنامه ریزی و نظارت و نقش فعالانه بازیگران اجتماعی در راهبری امور اقتصادی موضوع مهمی محسوب می‌شود.

آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. این نهادها و رسانه‌های آزاد هستند که با پیگیری مطالبات گروه‌های مختلف مردم و رصد فعالیتهای دولت می‌توانند هیولای دولت را رام کنند. بدون سازوکارهای پاسخگویی مناسب، ارتباطات حمایتی دولت و بخش خصوصی که البته برای توسعه ضروری است، حاصلی جز رانت و فساد ندارد (خالقی، ۱۳۹۵: ۱۹).

با توجه به وجود رسانه‌ها و شفافیت اطلاعات در الگوی حکمرانی خوب صاحبان کسب و کار از توانایی لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار هستند. در این فضا ریسک سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کند و زمینه برای سرمایه‌گذاری و به دنبال آن افزایش تولید پیدا می‌شود. با چنین فضایی سرمایه‌انسانی هم افزایش می‌یابد. ارتقاء سرمایه‌انسانی از یک سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و تخصیص غیر بهینه منابع را کاهش می‌دهد (Stiglitz, 1986).

یکی از شاخص‌های دیگر که در قالب حکمرانی خوب مطرح می‌شود موضوع فساد است. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به طور بالقوه می‌توانند ظرفیت جامعه را از لحاظ



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۲۰۸

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

پیشرفت های فنی ارتقا دهند. علاوه بر این وجود فساد، جذابیت های اقتصادی را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه های دولتی را به سمت فعالیت های غیر رسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می دهد. وجود فساد در آمد های مالیاتی دولت ها را کاهش داده و از این طریق دولت ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرایند تولید ناتوان سازد. (برادران شرکا و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۶۶).

بورکرکاسی شایسته در الگوی حکمرانی خوب ضمن پیش بردن سریع فعالیت ها به صورت سالم و بهینه احتمال سرمایه گذاری های موثر را افزایش می دهد. کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی موجب افزایش توان رقابتی اقتصاد و بهبود بهره وری عوامل تولید و سیاستگذاری ها و مدیریت ها در عرصه اقتصادی می شود (Baroo, 1991:106).

۱۰/۴ اجتماعی (خدمت بهینه)

با توجه به همسازی بین نیروهای اجتماعی و فراگیری نهاد های سیاسی و اجتماعی در الگوی حکمرانی خوب در جه اول موجب برقراری عدالت در سطح روابط اجتماعی می شود. در این مدل حکومتداری هیچ گونه تفاوت جنسیتی، نژادی، سنی و غیره دیده نمی شود. این خود عاملی در بهبود شرایط متغیر های اجتماعی خواهد شد (اوغلو، ۱۳۹۳: ۱۱۸ و Addink, Antony, Buyse and Flinterman, 2010:12).

یکی از ویژگی های حکمرانی خوب حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون موجب می شود اقدامات و سیاستگذاری ها به خصوص در زمینه زیست انسانی، بهداشت و دیگر معضلات اجتماعی در محدوده علایق جمعی و ملی جمع بندی می کند و از دست اندازی های فردی و گروهی جلوگیری می کند. گسترش دایره انتخاب همه افراد جامعه و ایجاد فرصت های برابر زندگی حفاظت از منابع طبیعی برای نسل های آینده را آسان تر می کند. حکمرانی خوب توانمند سازی، همکاری و مشارکت و ارتقای احساس تعلق و افزایش رضایتمندی، برابری و عدالت و در نتیجه کاهش یا زوال احساس محرومیت و تضعیف فرآیند قطبی شدن جامعه را تسهیل می کند. (کریمی مله، ۱۳۹۱: ۷۴).

حکمرانی خوب با شاخص های تاثیر گذار در عرصه اقتصادی که در قسمت قبل شرح آن داده شد برخی نارسایی های اجتماعی بر گرفته از وضعیت اقتصادی مانند فقر و بیکاری گسترده و مزمن را کاهش می دهد. این خود موجب تقلیل برخی معضلات اجتماعی دیگر مانند طلاق و اعتیاد می شود. در قالب



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستد اقلام الاسلامی
پژوهشهای یاسی جهان اسلام

فرآیندهای حکمرانی خوب برخی ابعاد خشونت نمادین مانند بیکاری گسترده و مزمن، روابط ناشی از رقابت ناسالم برای دستیابی به منابع در اثر موج مهاجرت، تهمت و لکه دار کردن افراد در زندگی روزانه و در گفتارهای عمومی نیز به وسیله خشونت از پایین که در شورش های قومی _ نژادی متجلی می گردد، بتدریج از جامعه برچیده می شود. (Markus and kirpitchencho, 2007: 29-30)

۱۰/۵ فرهنگی

الگوی حکمرانی خوب دارای ساختاری متوازن، همساز که تعامل و تعادل بین نیروهای اجتماعی نمود بارز آن است. باتوجه به رفع تبعیض و بی عدالتی و همچنین حضور همه گیر و فراگیر یکایک همه افراد در مناسبات اجتماعی و سیاسی تعلق به کشور و در نهایت انسجام ملی شکل می گیرد. حضور و اعتماد نفس فردی را بالا می برد و آنها را برای رقابت در قالب های مشخص آماده می کند. در این نظام اجتماعی رفتار افراد ضابطه مند و در قالب قواعد و رویه های خاصی تعریف می شود و زمینه مفاهیم و اعتماد بین افراد ایجاد خواهد شد (Bendix, 1997: 120)

شفافیت و پاسخگویی در الگوی حکمرانی خوب اعتماد و رضایت شهروندان را فراهم می کند و در اتحاد و بسیج ملی می تواند راهگشا باشد. از طرفی دیگر آگاهی شهروندان یک جامعه از طروق مختلف مانند رسانه ها و حضور در شبکه ها و تشکل ها تقویت خواهد شد. مشارکت سازماندهی شده و منسجم زمینه رفتاری و کارکردی با ثبات و قابل پیش بینی در آن جامعه شکل می دهد. بنابراین زمینه برای همکاری و ارتباط بین افراد با حفظ حقوق و تعیین مسئولیت ها نسبت به یکدیگر فراهم خواهد شد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۲۱۰

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

۱۱. نتیجه گیری

با مرور بسیاری از مشکلاتی که اکنون نظام بودجه بندی کشور با آن مواجه است؛ نظیر بی عدالتی و توزیع نابرابر منابع و امکانات، عدم پاسخگویی دولت، بی ثباتی سیاسی بالقوه، ناکارآمدی و ناکارایی اقدامات دولت و نارضایتی مردم از کالا و خدمات ارائه شده، بی قانونی و حاکمیت رابطه بر ضابطه، فساد سازمان یافته، پارتی بازی، رشوه خواری و اختلاس های هزاران میلیاردی، بخش خصوصی ضعیف و فاقد قدرت رقابت با نهادهای دولتی، شبه دولتی یا شبه خصوصی؛ شاخص های حکمرانی خوب در ذهن متجلی می شوند. گویا شاخص های حکمرانی خوب، به نوعی بازتاب دهنده راه های حل این مشکلات و کاستی ها هستند، اصلی ترین شاخص های بیان شده و تقریباً پرکاربردترین آن، به دیدگاه بانک جهانی باز می گردد. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص تعریف می کند که عبارت اند از: حق اظهار نظر و پاسخ گویی، شاخص ثبات سیاسی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، و کنترل فساد. بنابراین می توان گفت شاخص های الگوی حکمرانی خوب برای سازماندهی امور سه سطح خرد، میانی و کلان اقتصادی نقش متوازن و قاطعی را برعهده دارد. پیشرفت، ترقی و یا توسعه مقصود و سرمنزل بسیاری از برنامه ریزی ها و جهت گیری ها در سطح فردی، گروهی و ملی است. اصولاً توسعه در تمام سطوح نیازمند به برنامه ریزی، سیاستگذاری و مدیریت بهینه و موثر است. یکی از منازعات اصلی که در این میان مطرح می شود اینکه توسعه در سطح ملی از دولت یا از جامعه شروع خواهد شد. اما بنظر می رسد دیگر این مجادلات به پایان رسیده است و دولت به تنهایی نمی تواند صدرات تمام امور را برعهده بگیرد.

امروزه در روند اجتماعی نیازمند به دولت با ویژگی های خاص و جامعه ای که بین اعضای آن همراهی و همکاری باشد. الگوی حکمرانی خوب و شاخص های آن عرصه جدیدی در نوع سیاستگذاری، ماهیت دولت و همچنین کنش نیروهای اجتماعی خواهد گشود که در آن توسعه بر پایه سازماندهی و مدیریت کیفی و کارآمد دولت و شراکت تمام نیروهای اجتماعی استوار است. بر این اساس امور اجتماعی با جهت مشخص و بر مبنای مصالح خصوصی و عمومی نهادینه می شود.

زوایای گوناگون در زندگی اجتماعی ضمن تمرکز زدایی و پراکندگی دارای نقشه و جهت خاص خود می باشند و برنامه ریزی منطق و سیر مشخص خود را پیدا می کند. ماهیت و سازماندهی خاص دولت در این ساختار دولت را از سردرگمی و انحراف جہتی، کرداری و کارکردی به دور می سازد. نیروهای اجتماعی ضمن پرداختن به منویات خاص با سازماندهی در تشکل ها و قالب های مختلف از جهت و



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستد العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

مسیر کلی دور نخواهند شد. این خاصیت های دوگانه در الگوی حکمرانی خوب موجب اعتماد و اعتقاد دوطرفه بین تمام بازیگران در سطوح گوناگون می شود. مبنای اولیه شکل گیری ساختار جهتی منطقی و عقلانی داشته لذا شاخص ها در زمینه های مختلف اجتماعی حرکت صعودی دارند.

در کشور ما ظرفیت های مختلف مانند قانون اساسی، چشم انداز ۲۰ ساله و حتی برنامه های توسعه برای هدایت نظام سیاست گذاری به سمت برقراری الگوی حکمرانی خوب وجود دارد که با ابلاغ سیاست کلی نظام اداری و اخیرا سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی رویه ها و فرآیندهای استراتژیک و راهبردی در جهت حرکت به مسیر الگوی حکمرانی خوب طراحی شده است. البته همان طور که گفته شد باید ابتدا دولت یا همان سه قوه با تمام زیر مجموعه های خود ضمن اتحاد و انسجام در بین خود وظایف محوله را به طور کامل و بر اساس منطق اولیه ساختار حکمرانی خوب انجام دهد و زمینه را برای ایفای نقش بخش های دیگر فراهم کند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی

۲۱۲

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

کتاب‌نامه

- آذر، ع. رجب زاده، ع. (۱۳۸۹). "تصمیم‌گیری کاربردی" نگاه دانش، چاپ اول.
- آرایی، وحید. ۱۳۹۶. حکمرانی خوب. فرهیختگان دانشگاه
- اسپوزیتو، جان و جان وال، (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
- اسلامی، محمدرضا. ۱۳۹۳. تحلیل تطبیقی نظریه حکمرانی خوب در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف. پایان نامه - دانشکده علوم اقتصادی - پژوهشکده اقتصاد
- اصغری، م. (۱۳۸۱). "تصمیم‌گیری و تحقیق عملیات در مدیریت" انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم.
- اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- بدیع، برتران (۱۳۸۰)، دو دولت؛ قدرت و جامعه در غرب و در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
- برزگر، عبدالرضا؛ مجید صحرایی اردکانی. ۱۳۹۵. اظهارات نمایندگان علیه نهادهای حکومتی، شفافیت یا جرم‌انگاری. سومین همایش بسترهای فساد مالی و اداری در نظام حقوقی ایران با رویکرد اصلاح و توسعه نظام حقوقی
- بهشتی، سیدعلیرضا حسینی، هادوی، حسین. (۱۳۸۵). نقش اعتمادسازی در افزایش مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی. نامه علوم اجتماعی، ۲۹(۰)، -.
- بیگی‌نیا، عبدالرضا؛ سعید صفری، علی مرشدی زاد، عبدالمجید پولاددرگ. ۱۳۹۱. شناسایی و اولویت بندی شاخص‌های حکمرانی خوب. چشم انداز مدیریت دولتی ۱۲، ۶۵.
- پارساجلودارلو، بهزاد. ۱۳۹۵. دولت الکترونیک و حکمرانی خوب سازمانی. گیوا، باشگاه پژوهشهای علمی ساداکو
- پورعینی، مریم. ۱۳۹۸. حکمرانی خوب شهری: توانمندسازی زنان و گردشگری. همایش ملی زن و توسعه گردشگری روستایی
- پورمحمد، محسن؛ زهره سلملیان. ۱۳۹۵. کارآمدی حکومت دینی. خلاصه مقالات همایش بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۱۵۶-۲۴۵
- جوان‌آراسته، حسین. ۱۳۹۲. مبانی حکومت اسلامی. موسسه بوستان کتاب قم
- حبیب نژاد، سیداحمد؛ زهرا عامری. ۱۳۹۵. شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی (با تاکید بر حکومت علوی). حقوق اسلامی. ۱۲۹.
- حبیبی، آرش؛ ایزدیار، صدیقه و سرافرازی، اعظم. (۱۳۹۳). تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی، رشت، کتبه گیل حجتی نجف آبادی، شهرناز. ۱۳۹۷. نقش سرمایه اجتماعی (مبحث اعتماد) در فروپاشی ساسانیان با توجه به ساختار سیاسی حکومت. تاریخ پژوهی. ۲۷.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعه ترانست العالم الاسلامی

۲۱۴

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

- حسینی، سمیه؛ علی روحانی. ۱۳۹۴. دستنامه شفافیت سازمانی. دارالفنون
- حسینی، سید حسین؛ محمد جوانبخت. ۱۳۹۷. تحلیلی بر عدالت اجتماعی در فضای جغرافیای ایران. پژوهش‌های مکانی فضایی. ۶۳.
- حسینی، سیدمحمد؛ محمدباقر انصاری، محمدصادق زینی‌وند. ۱۳۹۷. الزامات فراموش شده توسعه پایدار. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- خاکی، غ. (۱۳۸۴). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، نشر بازتاب.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خوشحال، امیر؛ شهین مجاوری. ۱۳۹۸. همبستگی اجتماعی از نگاه دورکیم. رشد آموزش علوم اجتماعی. ۳۴.
- دانائی فرد، حسن؛ جبار باباشاهی، عادل آذر، اسدالله کردنائیج. ۱۳۹۱. تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟. مدرس علوم انسانی (پژوهش‌های مدیریت در ایران) ۴. ۴۵-۶۲.
- دلشادتهرانی، مصطفی. ۱۳۹۵. تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه. دریا
- دوست محمدی، حسین؛ مرتضی علویان. ۱۳۹۸. تحلیل سرمایه اجتماعی در ایران با کاربست اندیشه‌های میشل فوکو. جامعه‌شناسی نهاد‌های اجتماعی. ۳۹-۶۶.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲)، چالش بنیادگرایی و پاسخ غرب، مجله سیاست خارجی، ۷(۴).
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، پدیده جهانی شدن؛ وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگه.
- رجبی، حاجیه؛ آسیه عرب. ۱۳۹۸. تاثیر حکمرانی خوب بر سلامت سازمانی با توجه به نقش میانجی رفتار سیاسی. چشم انداز مدیریت دولتی. ۱۴۱-۱۷۰.
- رهبر، محمدتقی. ۱۳۹۷. شایسته سالاری در گزینش وزیران و معاونان و کارگزاران. پاسدار اسلام. ۸.
- زلفی‌گل، محمدعلی (۱۳۸۳)، از ترویج علم تا تولید ثروت از دانش، فصلنامه رهیافت، ۳۳.
- زین، حسن؛ امیر سلمانی‌رحیمی، حمیدرضا آذیر. ۱۳۹۲. حکومت امام علی (ع). بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- ساعتی، ت. (۱۹۸۰). "تصمیم‌سازی برای مدیران" مترجم علی اصغر توفیق، سازمان مدیریت صنعتی چاپ اول ۱۹۸۰
- سرمد، ز. بازرگان، ع. حجازیف. ۱. (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، نشر آگه.
- سعید، بابی (۱۳۷۹)، هراس بنیادین، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سنجرائی، زهره. ۱۳۹۶. تحلیل میزان تحقق الگوی مناسب حکمروایی خوب در مدیریت روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان زهک). پایان‌نامه - دانشگاه زابل - دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- سینایی، وحید (۱۳۸۴)، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران (۱۳۵۷-۱۲۹۹)، تهران: نشر کویر.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

شورچی، حافظ. ۱۳۹۴. توسعه و حکمرانی خوب: مجموعه مقالات. اختر
صادقی جقه، سعید. ۱۳۹۷. شفافیت، نظارت و کارآمدی. مطالعات راهبردی. ۷-۳۴.
صادقی؛ ک؛ اعظم شریفی، و. ۱۳۹۵. بررسی عوامل موثر بر فساد مدیران در سازمان های دولتی، پنجمین
کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت و دومین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری های باز
غنی‌نژاد، موسی (۱۳۸۹)، تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، تهران: نشر مرکز.
مورگنتا، هانس. جی (۱۳۷۶)، سیاست در میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی
وبین المللی.
نخعی، هادی (۱۳۷۶)، توافق و تراحم منافع ملی و مصالح اسلامی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و
بین‌المللی.

Arrow, K., Bowles, S., & Durlauf, S. N. (Eds.). (2018). Meritocracy and economic inequality. Princeton University Press.

Bessel, R., & Feuchtwanger, E. J. (Eds.). (2019). Social change and political development in Weimar Germany (Vol. 3). Routledge.

Biitir, S. B., & Nara, B. B. (2016). The role of Customary Land Secretariats in promoting good local land governance in Ghana. Land use policy, 50, 528-536.

Brinkerhoff, D. W. (2017). Accountability and good governance: concepts and issues. In International development governance (pp. 269-287). Routledge.

Cordis, A. S., & Warren, P. L. (2014). Sunshine as disinfectant: The effect of state Freedom of Information Act laws on public corruption. Journal of Public Economics, 115, 18-36.

ddink, H. (2019). Good governance: Concept and context. Oxford University Press.

Devaney, L. (2016). Good governance? Perceptions of accountability, transparency and effectiveness in Irish food risk governance. Food Policy, 62, 1-10.

Flanagan, C., Gill, S., & Gally, L. (2014). Social participation and social trust in adolescence: the importance of heterogeneous en coun ters. Processes of community change and social action, 149.

Foley, C. F., Goldsmith-Pinkham, P., Greenstein, J., & Zwick, E. (2018). Opting out of good governance. Journal of Empirical Finance, 46, 93-110.

Gupta, M. S., & Abed, M. G. T. (2002). Governance, corruption, and economic performance. International Monetary Fund.

- Harvey, D. (2010). Social justice and the city (Vol. 1). University of Georgia Press.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Grover, S., & Wang, S. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46(4), 1332-1346.
- Holloway B Lohrke F. T.; B., Woolley T.W.; (2010). "Joint aqnalysis in entrepreneurship research"; A Review and Research Agenda, *Organizational Research Methods*.
- Hopper, T. (2017). Neopatrimonialism, good governance, corruption and accounting in Africa. *Journal of Accounting in Emerging Economies*.
- Johnston, K. A. (2018). Toward a theory of social engagement. *The handbook of communication engagement*, 1, 19-32.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2011). The worldwide governance indicators: methodology and analytical issues. *Hague Journal on the Rule of Law*, 3(2), 220-246.
- Keping, Y. (2018). Governance and good governance: A new framework for political analysis. *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 11(1), 1-8.
- Kornai, J., Rothstein, B., & Rose-Ackerman, S. (Eds.). (2004). *Creating social trust in post-socialist transition*. Springer.
- Stoker, G. (1998). Governance as theory: five propositions. *International social science journal*, 50(155), 17-28¹



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۲۱۶

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۴۰۹

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

واحدی، سعید؛ حاتمی، محمد رضا؛ موسوی، سید محمد (۱۴۰۰)، «بررسی مولفه‌های حکمرانی خوب با توجه به رویکرد اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۱۶-۱۹۵.